

بازشناسی و معرفی تذکره ناشناخته «معارف العارفین»

محمد ابراهیم ایرج‌پور*

چکیده

معارف العارفین تذکره‌ای ارزشمند از عارفان و مشاهیر متصوفه عصر قاجار است و از آن جا که این برهه تاریخی از نظرگاه ادبی و فرهنگی کمتر طرف توجه و اقبال پژوهندگان بوده است، در مقاله حاضر به بازشناسی و معرفی تنها نسخه این اثر سودمند پرداخته خواهد شد.

معارف العارفین به قلم محمد کاظم تبریزی، ملقب و متخلص به «اسرار»، در شرح حال قریب به پنجاه تن از عرفای نامدار هم‌روزگار مؤلف است که علاوه بر زندگی آنان، نمونه‌ای از بیانات و اقوال و گاه بخشی از اشعار و آثار آنان نیز در آن گنجانده شده است. بخش بندی این تذکره بر اساس زندگی اقطابی است که پس از شاه نعمت‌الله ولی پا به عرصه وجود گذارده‌اند و از این رو مؤلف کتاب خود را به هفت باب تقسیم کرده و هر باب را «تعرفه» نامیده است. آشنایی با چهره‌هایی تاثیرگذار در عرفان و تصوف قاجار که برخی برای اولین بار در این اثر از آنان نامی به میان آمده، انشعاب ناشناخته‌ای که در سلسله نعمت‌اللهی روی داده بوده و تنها در معارف العارفین مطرح شده و زندگی‌نامه خودنوشت اسرار تبریزی، از مهمترین مطالبی است که در مقاله حاضر به تفصیل بدان‌ها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

معارف العارفین، محمد کاظم تبریزی (اسرار)، عرفان و تصوف، عصر قاجار.

مقدمه

نسخ خطی، بخش مهمی از حافظه فرهنگی جوامع است و بازشناسی و احیای آنها، پشتوانه تمدنی هر جامعه‌ای را ارتقا می‌بخشد. اگر چه دیر زمانی نیست که چتر تصحیح متون بر سر نسخ خطی سایه ماندگاری افکنده است، با این حال می‌توان گفت که اکثر نسخ دست‌اول زبان فارسی به چاپ رسیده است. اگر چه در عالم تصحیح، باور «ارجحیت اقدم» یا به عبارت دیگر، «تقدیم متقدم» در ذهن و ضمیر پژوهندگان ادبیات نقش بسته است اما افراط در

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور irajpour@bg.isfpnu.ac.ir

این اندیشه، سبب شده بود تا چندی پیش پرداختن به آثار صفوی و به ویژه پس از آن عهد، عمر به باطل فرسودن و آب به هاون کوبیدن دانسته شود.

اما اینک چندی است که بازشناسی و تصحیح متون عصر صفوی و ادوار بعد از آن، وجهه همت پژوهندگان قرار گرفته است. اگر چه این آثار، غالباً عیار همانندان قدیمی خود را ندارند اما از سویی، خواسته یا ناخواسته بخشی از هویت تمدنی ما را تشکیل می‌دهند و از این نظر حائز اهمیتند و از سویی دیگر، گاه گوهرهای گرانقیمتی در میان آنها یافت می‌شود که اگر گوی سبقت از پیشینیان خود نریاید با آنان هم‌معنایی می‌کند.

در این مجال برآنیم تذکره ای از عصر قاجار را با نام « معارف العارفین » معرفی کنیم. با آن که این نسخه را نمی‌توان بسیار ممتاز و نادر دانست، با این حال مطالب مهم و کمتر خوانده شده‌ای در آن یافت می‌شود که در مواردی برای آنها مشابهی دیده نشده است. نسخه این کتاب، در قالب طرحی پژوهشی در دانشگاه پیام نور اصفهان توسط نگارنده تصحیح شده است.

پیشینه و روش پژوهش

محمد کاظم تبریزی از مؤلفان و صوفیان عصر قاجار است که آثار متعددی از او به جا مانده و اگر چه جسته گریخته در کتب تراجم به احوال او اشارت شده اما تا کنون اطلاعات جامعی از او و آثارش در دست نبوده است. خوشبختانه تبریزی در پایان معارف العارفین، زندگی نامه خودنوشتی از خود به یادگار گذاشته که در ادامه تلخیصی از آن خواهد آمد، در سال ۱۳۸۸، کتابی از تبریزی با نام منظر الاولیاء در موضوع مزارات تبریز به تصحیح میرهاشم محدث توسط انتشارات مجلس به چاپ رسید که در مقدمه آن، تنها به معرفی آثار او پرداخته شده است روی جلد این کتاب، پس از نام مؤلف سال ۱۲۶۵ - حدود ۱۳۱۵ ق درج شده و در مقدمه نیز همین مطلب تکرار شده است ولی هیچ توضیح و یا شاهی برای تاریخ تولد و مرگ او در مقدمه دیده نمی‌شود (رک: ایرج‌پور، ۱۳۹۰).

محمدعلی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان درباره محمدکاظم تبریزی می‌نویسد: «اسرار علیشاه تبریزی متخلص به اسرار از دروایش به طریقه شاه نعمت‌اللهی است که در سنه ۱۲۶۵ تولد یافته و چندین کتاب تألیف کرده است و دیوانی نیز دارد مشتمل بر ۲۵ هزار بیت و این مطلع و مقطع از یک غزل اوست:

مکش تو خطّ خطا بر وجود ناقص ما که ما به دفتر عشق تو فرد منتخبیم
مکن تغافل از اسرار بیش از این ترسم گمان برند خلائق که رانده غضبیم

محمدکاظم تبریزی دو کتاب مشتمل بر اشعار سخنوران بذله سرا و نوحه خوانان قرن سیزدهم هجری آذربایجان و شرح حالات آنها را که غالب اشعارشان به زبان ترکی بوده و ندرتاً برخی از غزلیات و قطعات و رباعیات پارسی در دواوین آنها دیده می‌شود تألیف کرده. یکی از آنها را حدیقه الشعرا دیگری را لهجه الشعرا نام نهاده است و گویا مقصود عمده مؤلف از تدوین این دو کتاب، نقد و انتقاد بعضی از اشعار سست و بی مزه سخنوران آن قرن می‌باشد که من باب مطایبه در مقابل یخچالیه میرزا ابوطالب مذهب به قلم آورده است» (تربیت، ۱۳۷۸: ۸۳-۸۲). گلچین معانی نیز در جلد یک تاریخ تذکره‌های فارسی، تذکره بهجة الشعرا اسرار را به صورت دقیق و مشروح معرفی می‌کند و شرح حال او را از دانشمندان آذربایجان بعینه نقل می‌نماید (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۳۶-۱۳۰). منابع دیگر چون

ریحانة الادب (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۱۱۸/۱)، تذکره شعرای آذربایجان (دیهم، ۱۳۶۷: ۴۸/۲-۴۷)، سخنوران آذربایجان (دولت آبادی، ۱۳۵۵: ۲۰۶-۱۹۹)، مکارم الآثار (حبیب آبادی، ۱۳۷۶: ۷۹۸/۵)، مواد التواریخ (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۵۰۶-۵۰۵) و اثر آفرینان (حاج سید جوادی، ۱۳۷۷: ۲۴۸/۱) نیز از محمدکاظم تبریزی یاد کرده‌اند و البته بر سخنان استاد تربیت چیزی نیافزوده‌اند.

محمد کاظم تبریزی، صاحب معارف العارفین

اسرار در شرح احوال خودنوشتی که در پایان معارف العارفین آورده است می‌نویسد: «بدان که فقیر کاظم بن میرزا محمد تبریزی در ششم ماه مبارک ذی‌قعدة الحرام در سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری، سال دوم از جلوس میمنت مانوس حضرت ظلّ اللهی، ملک الملوک ناصر دین شاه قاجار - ادام الله ملکه و سلطانه فی ذریته - در دار السلطنه تبریز فرح انگیز از بیدای عدم به فضای وجود قدم نهاد» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۳۱۴). در ده سالگی وی، پدرش قصد روم می‌کند و در ارزنه الروم مسکن می‌گزیند و از این هنگام، اسرار نزد جد خود به فراگیری علوم رسمی می‌پردازد. از بیست سالگی، چون علوم معمول روح وی را اقلع نمی‌کرده است، به ریاضت و تقوا میل می‌کند و پس از نشست و برخاست با برخی از علما در می‌یابد که در پس علوم ظاهر، علوم باطنی نیز هست؛ پس عزم سیر آفاق و سفر می‌کند تا به دیدار مردان حق نایل آید. «لاجرم عزم سیاحت بعضی از عراق و فارس و طبرستان نموده، از راه رشت و گیلان‌ات به قصد زیارت مکه معظمه از طریق آذربایجان به کشخُر^۱ روم رسید و در بعضی اماکن روم و صفحات مصر و ممالک شامات سیاحت کرده و به صحبت علما و عرفا و حکمای هر دیار رسیده، مدت چند ماه در خدمت حاجی میرزا صفای خراسانی^۲ - انار الله برهانه - به خدمات اشتغال ورزیده، بعد به اذن آن جناب از راه طرب افزون [ترابوزان] روانه ایران گردیده، اکثر مداین آذربایجان و کردستان و ارمنیه را در این رجوع و برگشت سیر نموده، بعد در دارالسلطنه تبریز رحل اقامت افکنده» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۳۱۵). تبریزی پس از این نیز بسیار در پی راه هدی و طریق خدا برآمد تا زمانی که حاجی محمدعلی خراسانی، مشهور به مشتاق خراسانی، به قصد زیارت خانه خدا به تبریز آمد و اسرار محضر او را درک کرد و از آن پس به سلک ارادتمندان وی در آمد. چنان که از زندگی نامه خودنوشت اسرار بر می‌آید، وی پس از آشنایی با حاجی خراسانی «به امر آن حضرت به موجب خبر لا رهبانیه فی الاسلام متأهل شده به امر کاسبی مشغول گردیدم تا به تحت فرمایش الکاسب حبیب الله داخل باشم و قریب به بیست و دو سال است که در ایام تعطیل و بیکاری مشغول به تألیف و تصنیف بعضی کتب که خالی از منفعت نبوده گردید الی هذه الیوم» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۳۱۶). سرانجام این زندگی نامه خودنوشت، معرفی ۱۹ اثری است که تبریزی تا روزگار تالیف معارف العارفین در سال ۱۳۰۶ هـ ق به تحریر و نگارش آن‌ها توفیق داشته است و در ادامه معرفی می‌شوند.

آثار و تالیفات

از محمد کاظم تبریزی، آثار متعددی به جا مانده که نسخ خطی اکثر آنها در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی باقی است و جز یک اثر، همه در جلد ۱۰ فهرست نسخ خطی این کتابخانه معرفی شده‌اند (حسینی، ۱۳۶۲: ۸۷/۱۰-۸۰). این آثار عبارت است از:

- ۱- میر اسرار، مثنوی با حدود شش هزار بیت در فضایل، مناقب و سرگذشت حضرت علی (ع) در سه جلد که آن در سال ۱۲۸۴ به اتمام رسیده است. یک نسخه آن شامل جلد دوم و سوم در که کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی به شماره ۳۶۸۴ موجود است، در سال ۱۲۹۵ توسط عبدالغفور خوبی کتابت شده است (حسینی، ۱۳۶۲: ۸۰/۱۰).
- ۲- منظر الاولیاء، در مزارات تبریز که در سال ۱۳۸۸ به تصحیح میر هاشم محدث به چاپ رسیده است.
- ۳- فنون الجنون، تنها نسخه موجود آن در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی با شماره ۳۶۸۶ نگهداری می‌شود. این کتاب ۱۱۴ برگ دارد و ذیل صفحات رکابه و بالای هر صفحه شماره گذاری جدید شده است. دو برگ (۴ صفحه) از انتهای نسخه و پیش از صفحه پایان، افتادگی دارد که گویا شامل شرح حال مؤلف بوده است. کتاب، تقدیمی به ناصر الدین شاه است و ترقیمه مختصر آن چنین است: «قد حصل الفراغ من التألیف هذا الكتاب مستطاب بعون ملك الوهاب المسمى بفنون الجنون فی بلدة تبریز بهجت انگیز فی یوم الخمیس، سبع من شهر شوال المکرم فی سنة اثنین ثلاثة مائة بعد الف من هجرة نبوية عليه و آله سلام باد». نسخه با خط تحریری خام نگاشته شده و کاتب کم سواد که نام او نیز باقی نیست، اغلاط متعددی در نگارش مرتکب شده است. این اثر شرح احوال و اقوال ۳۳ تن از عقلائی مجانبین، بیشتر از تبریز و حوالی آن شهر است (تبریزی، ۱۳۸۹: ص).
- ۴- کنز الغرایب، در باب داستان‌های تاریخی شگفت انگیز و محیر العقول.
- ۵- دیوان شعر فارسی، شامل ۵۵۰۰ بیت در قصیده، غزل، رباعی و... که نسخه ای از آن با شماره ۳۶۸۸ در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود و به سال ۱۲۹۳ تحریر شده است (حسینی، ۱۳۶۲: ۸۴/۱۰).
- ۶- مختصر التواریخ، تقویمی در نهایت اختصار و ایجاز از حوادث مهم تاریخی شامل سال ولادت و وفات بزرگان اسلام از ابتدای هجرت تا سال ۱۲۹۷ق که طی ۱۵ روز در ذی الحجه ۱۳۰۰ق به نگارش در آمده است (حسینی، ۱۳۶۲: ۸۵/۱۰).
- ۷- تاریخ تبریز که نام آن، گویای موضوع آن است. اثری عمدتاً و مهم از مؤلف که ناتمام مانده و جز اندکی از مقدمه آن نوشته نشده و مؤلف در منظر الاولیاء و دیگر آثارش چندین بار به آن و آرزوی اتمام آن اشارت کرده است.
- ۸- سهجة (لهجة) الشعراء، شناخته ترین اثر تبریزی که در منابع موجود ذیل احوال و آثار او به آن اشاره شده است و البته در جنب دیگر آثار وی چندان قدری ندارد. این کتاب تذکره‌ای درباره هشتاد و شش شاعر خطه آذربایجان و ترک زبان است که غالباً اشعار سست مطایبه ای دارند. این اثر به اقتضای یخچالیه بهار اصفهانی تألیف شده و تبریزی گزیده‌ای از آن را نیز با عنوان حدیقة الشعرا فراهم آورده است. معرفی کامل این اثر را در تاریخ تذکره‌های فارسی (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۳۶-۱۳۰) می‌توان مطالعه کرد.
- ۹- مرآت سیر، گسترش یافته و تکمیل شده مختصر التواریخ است که پیشتر ذکر آن رفت. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی با شماره ۳۲۲۰ نگهداری می‌شود که در جلد ۹، صفحه ۲۲ فهرست آن کتابخانه معرفی شده است. نکته مهم درباره این نسخه، اضافاتی است که مرحوم آیه الله مرعشی نجفی در حاشیه نسخه بر آن افزوده‌اند و نشان از توجه ایشان به این اثر بوده است. نسخه دیگر در کتابخانه آیه الله العظمی بروجردی با شماره ۴۲۶ یافت می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۸۶/۲).
- ۱۰- مرآت المذاهب، که درباره انواع مذاهب اسلامی و غیر اسلامی است. این کتاب در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳

تالیف شده و تنها نسخه آن با شماره ۹۳۲۸ در ۱۷۷ برگ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است (منزوی، ۱۳۶۳: ۲۷۱/۳ و تبریزی، ۱۳۹۱: ص).

۱۱. منظومه سرو و گل در بحر هزج مسدس که تبریزی در سرودن آن از خسرو و شیرین نظامی پیروی کرده است. به تصریح مؤلف در مقدمه مرآت المذاهب، وی این منظومه را در جوانی سروده است (تبریزی، ۱۳۹۱: ۲)؛ متأسفانه از این منظومه اثری در کتابخانه ها دیده نمی شود.

۱۲. منظومه شیخ صنعان در بحر رمل و به اقتفای مثنوی مولانا که تبریزی در مقدمه مرآت المذاهب در کنار منظومه سرو و گل به آن اشاره می کند و این منظومه را از آثار جوانی خود بر می شمارد (تبریزی، ۱۳۹۱: ۲).

۱۳. منظومه احکام دین در وزن حدیقه (تبریزی، ۱۳۸۹: ۷۷).

۱۴. منظومه اسرار البکاء در بحر متقارب و به پیروی از شاهنامه با موضوع مرثیه (تبریزی، ۱۳۸۹: ۷۷). تبریزی در مقدمه مرآت المذاهب می نویسد: «در سال هزار و دویست و نود و پنج در ماه محرم، مجموعه ای در مصائب شهدای کربلا و مظلومان نینوا مسماً به اسرار البکاء ترتیب دادم» (تبریزی، ۱۳۹۱: ۳).

۱۵. کتاب گل [و] ریحان فی التمثیل که تبریزی در شرح احوال خود در معارف العارفين بدان اشاره دارد.

۱۶. شمس الهدایة در بحر هزج مسدس مقصور با موضوع عجایب (تبریزی، ۱۳۸۹: ۷۶).

۱۷. رموز النجبا فی لطایف الظرفا در لطایف عرفانی، یک نسخه از این اثر در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است که در سال ۱۲۹۹ق در ۱۱۱ برگ تحریر شده است (عرب زاده، ۱۳۷۸: ۳۸۳/۱).

۱۸. شرح دیوان انوری ابیوردی که تبریزی در ضمن زندگی نامه خودنوشتش در معارف العارفين بدان اشاره دارد.

۱۹. کتاب برهان السالکین که تبریزی در معارف العارفين مکرر بدان اشاره می کند و امروزه متأسفانه از آن نشانی در میان نیست. از اشارات به این کتاب مشخص است که برهان السالکین در موضوع تصوف و شرح احوال عارفان بوده است.

۲۰ - جلبندی اسرار، این اثر نیز حاوی مطالب عرفانی است و نسخه ای از آن در کتابخانه ملی تبریز با شماره ۲۸۳۱ محفوظ است و از صفحات و سال کتابت و کاتب آن اطلاعی در دست نیست (منزوی، ۱۳۶۳: ۱۱۱۳/۲).

۲۱- معارف العارفين

آثاری که تاکنون به معرفی معارف العارفين پرداخته اند، همواره دو اشتباه داشته اند که از فهرست نسخ کتابخانه آیه الله مرعشی ناشی شده است. نخستین اشتباه در نام این اثر است که همه جا معارف العارف نام گرفته است (حسینی، ۱۳۶۲: ۸۵/۱۰؛ تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۳؛ منزوی، ۱۳۸۲: ۲۲۸۲/۳) در حالی که نام درست آن، چنان که بر تارک صفحه نخست آن نقش بسته و در مقدمه و سبب تالیف کتاب هم اشاره شده، «معارف العارفين» است. اشتباه دیگر آن است که غالباً این اثر را در شرح احوال هفت تن از اقطاب سلسله نعمت الهی دانسته اند (حسینی، ۱۳۶۲: ۸۵/۱۰؛ تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۳) اما چنان که خواهیم دید، اگرچه محور اصلی معارف العارفين هفت تن از اقطاب نعمت الهی هستند ولی در ضمن هر یک، به مشایخ و مشاهیر هم عصر آنان نیز پرداخته شده است.

نسخه شناسی

تنها نسخه معارف العارفين در کتابخانه آیه الله مرعشی با شماره ۳۶۸۹ نگهداری می شود. نسخه به خط تحریری نگارش

یافته و کتابت آن، مشابه دیگر آثار تبریزی است و به احتمال قریب به یقین به خط مؤلف است، اگرچه در کتاب به این موضوع تصریحی نرفته است. معارف العارفین در ۱۵۹ برگ و ۳۱۸ صفحه ۱۶ سطری تحریر شده و با رساله مختصر التواریخ، تجلید شده است چنان‌که از اپ تا ۲۴ پ مربوط به مختصر التواریخ و از ۲۶ پ تا ۱۹۵ پ به معارف العارفین اختصاص دارد. تاریخ کتابت هر دو اثر این مجموعه، روز چهارشنبه هفدهم رجب ۱۳۰۶ ضبط شده است. ترقیمه نسخه چنین است: «بحمدالله و المنه که این گوهر یگانه که سال‌های سال در آرزوی تلیق و تألیف او بودم، ممکن و میسر گردید.

تقصیرهای رفته ادا کرد روزگار اقبال را به وعده وفا کرد روزگار

در افخر لیالی و احسن الایام به اقبال طالع فرخنده خیال این نامه نامی و دفتر گرامی مسوده شده، فی یوم سبع عشر من شهر رجب المرجب من شهور سنه ثلاث مئه بعد الف فی لیلة مبارکه عید نوروز فی بلدة تبریز بعون ملک العزیز بید الاقل الفقرا مسود اوراق فی امانه.

پوش اگر به خطایی رسی و طعنه مزین که نفس هیچ بشر خالی از خطا نبود
در آفتاب نظر کن که با بشارت خویش ممر او همه بر خط استوا نبود

تحریراً در اتمام کتاب مستطاب در روز چهارشنبه، هفدهم شهر رجب المرجب هزار و سیصد و شش هجری فی یوم عید سعید سلطانی به اتمام رسید» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۳۱۸). ذیل صفحات فرد، رکابه دارد و خوشبختانه نسخه افتادگی و پارگی ندارد.

بررسی معارف العارفین

چنان‌که در سطور پیش اشاره شد، معارف العارفین تذکره‌ای است در شرح حال عرفا و متصوفه کمتر شناخته شده پس از صفویه تا روزگار مؤلف. تبریزی درباره انگیزه خود از تألیف کتاب در مقدمه چنین می‌نویسد: «از نورالدین شاه نعمت الله الی مشتاق علیشاه مرحوم که استاد و مرشد حقیر است، احوالاتشان مخفی مانده و کسی ملتفت به این مطلب نگردیده و در نمودن احوالاتشان اهتمام نکرده اند تا خرده خرده محو خیال و اوراق گردیده اند، بخصوص احوال و اخلاق دوازده نفر از خلیفه الخلفا که اول ایشان برهان الدین اول و آخر، شاه رضا علیشاه دکنی باشد... مجماً بنای حقیر در اینجا این است که احوالات دوازده نفر مذکور که حالات ایشان مخفی است ترک نمایم؛ باقی نماند مگر هفت نفر خلیفه الخلفا و تلامذه و خلفای آنها: اولش معصوم علیشاه دکنی و آخرش مشتاق علیشاه خراسانی. پس به درستی که بنای این [کتاب] مستطاب را به یک مقدمه و هفت تعرفه و یک خاتمه قرار دادیم» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۳).

به عبارت دیگر، تبریزی هر تعرفه را به یکی از اقطاب متاخر سلسله نعمت اللهی اختصاص داده و پس از معرفی وی، سرگذشت مشایخ و خلفای آن قطب را نیز در ضمن آن تعرفه آورده است. جدول زیر فهرست وار مطالب هر تعرفه را ترسیم می‌کند و شمای کلی کتاب را به دست می‌دهد.

صفحات بر اساس نسخه	مشایخ و خلفای معرفی شده	تعرفه
۱۰ - ۵۴	فیض علیشاه، مشتاق علیشاه اصفهانی، مظفر علیشاه گواشیری، انیس علیشاه کرمانی	تعرفه اول: معصوم علیشاه دکنی
۵۵ - ۱۰۳	ناصر علیشاه اصفهانی، رضا علیشاه هراتی، عین علیشاه هراتی، نظر علیشاه نایینی، حسن علیشاه اصفهانی، عباسعلی زید آبادی، رونق علیشاه بمی، معطر علیشاه کرمانی	تعرفه دوم: نورعلیشاه اصفهانی
۱۰۳ - ۱۷۹	حاجی محمد ابراهیم شیخ الاسلام خویی، نصیر علیشاه دارابجردی، شیخ زاهد گیلانی، هدایت علیشاه کهنانی، عنایت علیشاه گواشیری، عزت علیشاه محللاتی، ملا عبدالصمد همدانی، ملا عباسعلی بنابی، حاج میرزا آقاسی، حاجی عبدالوهاب نایینی، حاجی محمد حسن تبریزی، رونق علیشاه ثانی، صدر الممالک اردبیلی، کوثر علیشاه همدانی، ساقی علیشاه همدانی، حاجی کبیر آقای مراغه ای، مشهدی تقی تبریزی	تعرفه سوم: حسین علیشاه اصفهانی
۱۷۹ - ۲۰۰	نصرت علیشاه ارموی، رحمت علیشاه شیرازی، نظام علیشاه گواشیری	تعرفه چهارم: مجدوب علیشاه همدانی
۲۰۱ - ۲۳۷	رحیم علیشاه مظفر آبادی، نازش علیشاه اشتهاری، کربلایی علی اکبر خراسانی، منیر علیشاه کرمانی	تعرفه پنجم: مست علیشاه شروانی
۲۳۷ - ۲۴۳	-----	تعرفه ششم: ثابت علیشاه قهفرخی
۲۴۳ - ۳۱۳	صامت علیشاه خراسانی، استاد شیشه گر همدانی، حاجی ابراهیم خان فراش باشی، آقا محمد شفیع تبریزی، آقا زاده ارموی، مجنون علیشاه قراجه ای	تعرفه هفتم: مشتاق علیشاه ثانی خراسانی

چنان که ملاحظه می شود، ضمن شرح احوال و اقوال هفت تن از اقطاب سلسله نعمت الهی، چهل و دو نفر از خلفا و مشایخ آنان نیز معرفی می شوند که با نام و نشان برخی از آنان برای اولین بار آشنا شده ایم؛ از آن جمله، کربلایی علی اکبر خراسانی که از مریدان و مشایخ مست علیشاه شیروانی است. قاعده کتاب آن است که پس از شرح احوال هر عارف، برخی از جملات و سخنان عرفانی او نقل می شود. برای شماری از این عرفا نیز کرامات و خوارق عاداتی روایت شده است. از عرفا و صوفیانی نیز که صاحب قریحه بوده اند و اشعاری از آنان به یادگار مانده و یا دستی در تصنیف و تالیف داشته اند، اشعار و یا بخشی کوتاه از کتاب آنان آورده شده است؛ چنان که می توان به اشعار نورعلیشاه اصفهانی در صفحات ۶۷ - ۶۰، اشعار محمد تقی کرمانی ملقب به مظفر علیشاه در صفحات ۴۶-۴۰ و مثنوی ثابت علیشاه قهفرخی در صفحات ۲۴۳ - ۲۳۸ و از متون نثر و کتب متصوفه به بخش هایی از بحرالمعارف ملا عبدالصمد همدانی در صفحه ۱۳۶ و یا مرآت المحققین رونق علیشاه بمی که تا کنون به چاپ نرسیده و از لحاظ موضوع بدیع می نماید اشاره کرد. تبریزی درباره این اثر می نویسد: «آن رساله ای است که نظماً [و] نثراً ترتیب فرموده و در عالم سیر،

شیطان را مشاهده کرده و از وی سوالات نموده و شیطان جواب داده، آن جناب سخنان ابلیس را جمع نموده» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۸۹). بخش‌هایی از این رساله در صفحات ۹۴-۹۰ نسخه نقل شده است.

تبریزی در معارف العارفین از منابع درجه اول بهره برده و به ویژه از آثار حاج زین العابدین شیروانی که خود از اقطاب شهیر نعمت الهی به شمار می‌رود به کرات اقتباس کرده و گاه حتی بدون ذکر نام، مطالب وی را برگرفته است. در مواردی، تبریزی به منابعی اشاره می‌کند که امروزه از آنها نشانی نیست و برای اولین بار با نام و نشان آنها آشنا می‌شویم که بسیار مغتنم است. از آن جمله کتابی است که وی چهار مرتبه از آن با نام «اقاویل» یاد می‌کند. متأسفانه تبریزی از مولف آن نام نمی‌برد ولی از فحوای مطالب می‌توان دانست که تذکره ماندی درباره متصوفه پس از صفویه است که بیشتر بر سخنان این طایفه تمرکز داشته و نام کتاب نیز شاهی بر این مدعاست. دیگری کتابی از خود تبریزی است که امروزه در فهرس نسخ خطی از آن نشانی نیست. نام این اثر «برهان السالکین» است و تبریزی نه بار بدان اشاره دارد و گاه خواننده خود را بدان ارجاع می‌دهد و یادآور می‌شود که تفصیل موضوع را در آن آورده است. با دقت در مباحث ارجاعی به برهان السالکین می‌توان دریافت که این کتاب نیز مجموعه‌ای در عرفان و تصوف بوده که اشاراتی به احوال متصوفه داشته است. اشاره وی به کتابی ناشناخته از ملا محمدرضای همدانی^۳ نیز به نوبه خود جالب توجه است. اسرار در شرح احوال این شخص که ملقب به کوثرعلیشاه و از عالمان برجسته صوفی مسلک بوده است می‌نویسد: «حقیر کتابی در [دست] کرمانیان دیدم مسمی به تحفة الاخیار که دیباچه اش مزین بود به نام محمدرضا همدانی و سال تألیفش هزار و دویست و چهل و چهار بوده و از این تاریخ کتاب و از این اسم مبارک یقین حاصل گردید که از رساله های آن جناب است. به هر طور بود ابتیاعش نمودم؛ الان نزد حقیر موجود است و مرشدنا مشتاق علیشاه خراسانی هم فرمودند که این مجموعه از آخوند ملا محمدرضای همدانی است» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۱۶۵).

از دیگر سودمندی‌های معارف العارفین، یادکرد از صوفیان و عارفانی است که یا از آنان نام و نشانی نمی‌توان یافت یا اطلاعات بسیار اندکی از آنان به جا مانده است؛ از آن جمله مشتاق علیشاه خراسانی در صفحات ۲۴۳-۲۳۷، کربلایی علی اکبر خراسانی در صفحات ۲۲۸-۲۲۱، حاجی ابراهیم خان فراش باشی در صفحات ۲۶۸-۲۶۵ و آقا محمّد شفیع تبریزی در صفحات ۲۷۳-۲۶۹ که با استقصای کامل نگارنده، هیچ نشان دیگری از آنان در منابع موجود به دست نیامد و از آنجا که در معارف العارفین شرح احوال آنان درج شده بسیار مغتنم است. علاوه بر این، تبریزی با بسیاری از معاصران خود دیدار داشته و با آنان به گفتگو نشسته است؛ چنان که گاه بازتاب همین گفتگوها و پرسش و پاسخ‌ها در معارف العارفین درج شده است. برای نمونه سوال تبریزی از آقا میرزا محمد خلف میرزا مسلم ارموی درباره توجه به زخارف دنیوی و جواب او در صفحات ۲۷۷-۲۷۴ و پرسش تبریزی از استاد شیشه گر همدانی و پاسخ وی در باب معرفت و طریقت در صفحات ۲۶۵-۲۶۱.

مسأله ویژه و قابل توجهی که در معارف العارفین برای نخستین بار مطرح شده است، انشعاب ناشناخته‌ای است که در سلسله نعمت الهی راه یافته بوده و گویا تا امروز این موضوع بر ما پوشیده بوده است. با تاملی در سیر تصوف عصر قاجار در می‌یابیم که قلمرو تصوف پس از عصر صفوی، بین دو سلسله ذهبیه و نعمت الهیه شکل می‌گیرد «و هرچند سلسله های دیگر - از قادریه و نقشبندیه تا جلالیه و مداریه و خاکساریه - نیز بی‌فعالیت نبودند، تجدید عهد تصوف گذشته از لحاظ نظری و عملی، در تمام دوران بعد از سقوط صفویه با تحول این دو سلسله ارتباط یافت و حتی در

اواخر این دوره، منجر به بروز بعضی اختلافات و کشمکش‌هایی که ناشی از داعیه شیخی و مرشدی بود در داخل آنها نیز گشت» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۰۹). دربارهٔ انشعابات سلسله نعمت الهی تا کنون دو کتاب مستقل به نگارش در آمده است، یکی با عنوان «تاریخ انشعابات متاخرة سلسله نعمت الهی» (دو رساله در تاریخ جدید تصوف در ایران) به قلم منوچهر صدوقی (سها) که انتشارات پاژنگ در سال ۱۳۷۰ آن را به چاپ رسانده است و دیگری به قلم مصطفی آزمایش با نام «در آمدی بر تحولات تاریخی سلسله نعمت الهیه در دوران اخیر» که توسط انتشارات حقیقت در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است؛ اما هیچ یک از این دو کتاب و حتی دیگر کتاب‌هایی که ناظر بر تصوف عصر قاجار است، به این انشعاب اشاره‌ای نداشته اند.

توضیح این که در انتقال خلافت و جانشینی پس از حاج زین العابدین شیروانی، ملقب به مست علیشاه، به حاج زین العابدین شیرازی، ملقب به رحمت علیشاه، تقریباً هیچ اختلافی نبوده و مدعی شهر و نشانه‌هایی از افتراق در سلسله نعمت الهی گزارش نشده است. در کتاب معارف العارفين برای اولین بار از جانشینی میرزا علی قهفرخی معروف به ثابت علیشاه پس از زین العابدین شیروانی سخن به میان آمده است. تبریزی در شرح احوال قهفرخی، پس از ذکر اوصاف ممدوح وی می‌نویسد: «کفایت است در فضل آن بزرگوار که حضرت مست علیشاه شیروانی او را فرزندی خطاب می‌فرمود و در وقت وفات، او را خلیفه الخلفای خود نموده و وصی خود گردانید» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۲۳۸). بر اساس این روایت، حاجی شیروانی سفارش‌هایی در باب مشتاق علی ثانی خراسانی به ثابت علی قهفرخی می‌کند و از ثابت علی می‌خواهد که امور نعمت الهیان را پس از خود به مشتاق علی ثانی خراسانی بسپارد. تبریزی در ادامه می‌نویسد: «چون جناب ثابت علیشاه در مدت عمر خود مشغول خدمات مرشد بوده و مجال تربیت خلفا نداشت و خدمت را مقدم کرده بود و هرکه طالب راه حق بود، مبتدی را حواله به مشتاق علیشاه می‌کرد و تکمیلین را به خدمت حضرت مست علیشاه دلالت می‌فرمود، لهذا کسی از خلفای آن جناب معین نیست مگر حضرت مشتاق علیشاه مرحوم که آن هم در حقیقت پروردهٔ مست علیشاه مرحوم [است] و از آن بزرگوار خلیفه الخلفایی داشته» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۲۳۸).

این روایت تنها به معارف العارفين اختصاص دارد و دیگر منابع موجود، این ادعا را تایید نمی‌کنند و حتی از مشتاق علی خراسانی در کتاب دیگری نشانی در میان نیست و از او سلسله‌ای جاری نشده است. علاوه بر این، روایتی موثق از فرزند حاج زین العابدین شیروانی در دست است که جانشینی ثابت علی قهفرخی را به جای پدرش کاملاً رد می‌کند (ر.ک: شیروانی، ۱۳۴۸: د "مقدمه").

از کاستی‌ها و ضعف‌های معارف العارفين به جز استفادهٔ مکرر تبریزی از آثار حاجی شیروانی، باید به اشتباهات و اغلاطی هم اشاره کرد که در کتاب او راه یافته است. برای نمونه، دربارهٔ فیض علیشاه اصفهانی مدفون در تخت پولاد اصفهان و پدر نورعلیشاه، شرح حالی کاملاً متفاوت ارائه داده است که هیچ یک از دیگر منابع آن را تایید نمی‌کند (تبریزی، ۱۳۰۶: ۲۳-۲۱). در ذکر احوال رحیم علیشاه مظفرآبادی نیز او را از مریدان حاج زین العابدین شیروانی می‌داند و می‌نویسد: «آن بزرگوار از اجلهٔ خلفای حضرت مست علیشاه شیروانی است. از قصبهٔ مظفرآباد کشور کشمیر بوده، مدت‌ها در خدمت استاد نامدارش سفرها پیموده، سیاحت نموده تا به مدارج مسالک عرفان و معارج مراتب ایقان رسیده و در صدق [و] صفا و فقر و فنا کمتر کسی با او برابری می‌کرد و در مراتب معرفت، سخنان بلند تقریر می‌فرمود» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۲۱۳). حال آن که می‌دانیم شیروانی در جوانی به هند سفر کرده (شیروانی، ۱۳۴۸: ۴۱۰) و آن هنگام مقام و مرتبت بلندی در عرفان نداشته است. با

مراجعه به بستان السیاحه نیز در می‌یابیم که وی پس از ذکر موقعیت مظفرآباد که از توابع کشمیر بوده است، به تکیه درویش و اقامت کوتاه خود در آنجا اشاره می‌کند و می‌نویسد: «راقم چند یوم در آن تکیه بوده و با شیخ آن جا صحبت نموده. به ذکر احوال آن عزیز مبادرت می‌نماید» (شیروانی، ۱۳۸۹: ۱۷۳۶/۳). وی از رحیم علیشاه مظفرآبادی به بزرگی یاد می‌کند که نشان می‌دهد آن هنگام مرتبت حاجی شیروانی فروتر بوده و ادعای تبریزی در معارف العارفین که مظفرآبادی را در سلک مریدان و خلفای شیروانی وارد کرده است، صحت ندارد.

از دیگر اشتباهات تبریزی، زمان درگذشت رحمت علیشاه شیرازی است: «بعضی تاریخ وفات آن جناب را در سال هزار و دویست و پنجاه و دو دانسته‌اند و اکثرش شصت و دو فهمیده‌اند» (تبریزی، ۱۳۰۶: ۱۹۵). سپس با ذکر دلایلی سال ۱۲۶۲ را ارجح می‌شمارد حال آن که در طرائق الحقایق که نگارش فرزند رحمت علیشاه شیرازی است و جای هیچ تردیدی در قول او نیست، رحمت علیشاه شیرازی یکشنبه هفدهم صفر ۱۲۷۸ در سن هفتاد سالگی چشم از جهان فرو می‌بندد (شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۹۳/۳).

به هر روی، معارف العارفین نیز همانند دیگر کتب تراجم از برخی اشکالات و اشتباهات تاریخی مصون نمانده است. ارزش عمده دیگر این کتاب، شرح حال خودنوشتی است که محمدکاظم تبریزی در انتهای این اثر از خود به یادگار گذارده و اگرچه به اختصار و اجمال از خود یاد کرده، متقن‌ترین و بهترین شرح حالی است که از او به جا مانده است.

نتیجه

۱. محمدکاظم تبریزی صاحب بیست و یک اثر مختلف در نظم و نثر بوده و علاوه بر تالیفات بسیار در سیر و سلوک و تصوف نیز مرتبه‌ای بلند داشته است اما تاکنون اطلاعاتی ناچیز و جسته‌گریخته از او به ما رسیده بود. در مقاله حاضر، ضمن گردآوری کامل احوال و آثار او، زندگی‌نامه خودنوشت او از پایان معارف العارفین تصحیح شده و آورده شده است.

۲. معارف العارفین با در برداشتن شرح احوال قریب به پنجاه نفر از عرفا و متصوفه عصر قاجار حایز اهمیت بسیار است و از آنجا که برخی از این افراد یا در گمنامی مطلق بوده‌اند و یا بعضاً اطلاعات اندکی از آنان در دست بوده است، بازشناسی و چاپ معارف العارفین می‌تواند نقش بسزایی در ابهام زدایی تصوف عصر قاجار داشته باشد.

۳. در این اثر برای نخستین بار با گونه‌ای جدید از انشعاب و تغییر در سیر تصوف نعمت‌اللهی آشنا می‌شویم زیرا پس از درگذشت حاج زین العابدین شیروانی، جانشینان او میرزا علی قهفرخی و پس از او مشتاق علی ثانی خراسانی معرفی شده‌اند.

۴. تبریزی در معارف العارفین علاوه بر شرح احوال مشاهیر عرفان و تصوف پس از صفویه تا روزگار خود، در اختتام زندگی‌نامه هر یک، بخشی از گفتار و کلمات برجسته این افراد و گاه نمونه‌هایی از آثار منشور و منظوم آنان را نیز در معارف العارفین درج کرده که ارزشی دو چندان به این کتاب داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- کشخر: به ضم اوّل و فتح ثالث بر وزن دختر، به معنی اقلیم باشد و آن یک حصه از هفت حصه ربع مسکون باشد (برهان، ۱۳۷۶: ۵/ ذیل کشخر).

۲- تبریزی درباره حاج میرزا صفا و نسبت او به خراسانی خبط کرده و این شخص، بی تردید میرزا صفای مازندرانی است. او از مریدان حسین علیشاه اصفهانی بود و به دلیل حسن سلوک و مراتب بلند عرفانی‌اش از سوی میرزا حسین خان مشیر الدوله به سفارت عثمانی فرستاده شد تا به ویژه اختلافات سنی و شیعه را در آن سامان سامان بخشد. او که نام اصلی‌اش رضا قلی خان سوادکوهی بود، در سال ۱۲۹۱ قمری چشم از دنیا فرو بست و در جنوب ری در کنار چشمه علی به خاک سپرده شد و از سوی مشیر الدوله بقعه و بارگاهی بر مزار او بنا شد که به صفاییه مشهور است (رک: شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۳۸/۳؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۷۴۳/۲؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴: ۲۹۳/۱).

۳- با آنکه فتحعلی شاه صوفی ستیزترین پادشاه قاجار بود، احترام ویژه ای برای ملا رضای همدانی قایل بود، چنان که ملا رضا تفسیر درّ النظم خود را به درخواست فتحعلی شاه تصنیف کرد. علاوه بر این، میرزا محمد تنکابنی صاحب قصص العلما که میان‌های با صوفیه نداشته و گاه حملات تندی به آنها کرده است، از میان جواب‌های متعددی که به پادری نوشته‌اند، سه ردیه را به عنوان برترین و برگزیده نام می برد که یکی مفتاح النبوه از ملا رضای همدانی است و دو ردیه دیگر یکی متعلق به ملا علی نوری و جناب ملا احمد نراقی است (تبریزی، ۱۳۰۶: ۱۴۱).

منابع

- ۱- آزمایش، مصطفی. (۱۳۸۱). در آمدی بر تحولات تاریخی سلسله نعمت الهیه در دوران اخیر، تهران: حقیقت.
- ۲- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). چهل سال تاریخ ایران (مآثر و الآثار)، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- ۳- ایرج پور، محمد ابراهیم. (۱۳۹۰). «نظری به منظر الاولیا»، میراث مکتوب، آینه میراث، س ۹، ش ۴۸: ۲۰ - ۷.
- ۴- تبریزی، محمد کاظم (اسرارعلی). (۱۳۰۶). معارف العارفین، نسخه خطی کتابخانه مجلس، تهران: شماره ۳۶۸۹.
- ۵- ----- (۱۳۸۸). منظر الاولیاء، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: مجلس.
- ۶- ----- (۱۳۸۹). فنون الجنون، تصحیح علی بشارت شفیعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد ابراهیم ایرج پور، دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان.
- ۷- ----- (۱۳۹۱). کنز الغرایب، تصحیح منیره رهایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی علی زمانی، دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان.
- ۸- ----- (۱۳۹۱). مرآت المذاهب، تصحیح مجید خدای دستجردی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر محمد ابراهیم ایرج پور، دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان.
- ۹- تربیت، محمد علی. (۱۳۷۸). دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- ۱۰- تنکابنی، محمد. (۱۳۸۳). قصص العلما (زندگی دانشمندان)، تحقیق محمد رضا حاج شریفی خوانساری، قم: حضور.
- ۱۱- حاج سید جوادی، کمال. (۱۳۷۷). اثر آفرینان، تهران: انجمن آثار و مفاخر.
- ۱۲- حبیب آبادی، محمد علی. (۱۳۷۶). مکارم الآثار، اصفهان: مؤسسه نشر نفایس مخطوطات اصفهان.

- ۱۳- حسینی، احمد. (۱۳۶۲). فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- ۱۴- ----- (۱۳۸۴). فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله بروجردی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- ۱۵- برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۷۶). برهان قاطع، تصحیح محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- دولت آبادی، عزیز. (۱۳۵۵). سخنوران آذربایجان، تهران: تاریخ و فرهنگ ایران .
- ۱۷- دیهیم، محمود. (۱۳۶۷). تذکره شعرای آذربایجان، تبریز: آذربادگان.
- ۱۸- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۱۹- سپهر، عبدالحسین خان. (۱۳۸۶). مرآت وقایع مظفری، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.
- ۲۰- صدوقی، منوچهر؛ سمیعی، کیوان. (۱۳۷۰). دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران، تهران: پاژنگ.
- ۲۱- شیرازی، معصوم علی. (۱۳۸۲). طرائق الحقایق، تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران: سنایی.
- ۲۲- شیروانی، حاج زین العابدین. (۱۳۴۸). حدائق السیاحه، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۳- ----- (۱۳۸۹). بستان السیاحه، تصحیح منیژه محمودی، تهران: حقیقت.
- ۲۴- عرب زاده، ابوالفضل. (۱۳۷۸). فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، قم: دار القرآن الکریم.
- ۲۵- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۲). تاریخ تذکره های فارسی، تهران: سنایی.
- ۲۶- مدرس تبریزی، محمد علی. (۱۳۷۴). ریحانة الادب، تهران: خیام.
- ۲۷- منزوی، احمد. (۱۳۶۳). فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، تهران: مرکز اسناد کتابخانه مجلس.
- ۲۸- ----- (۱۳۸۲). فهرستواره کتاب های فارسی، تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۹- نخبوانی، حسین. (۱۳۴۳). مواد التواریخ، مقدمه مجتبی مینوی، تهران: ادبیه.